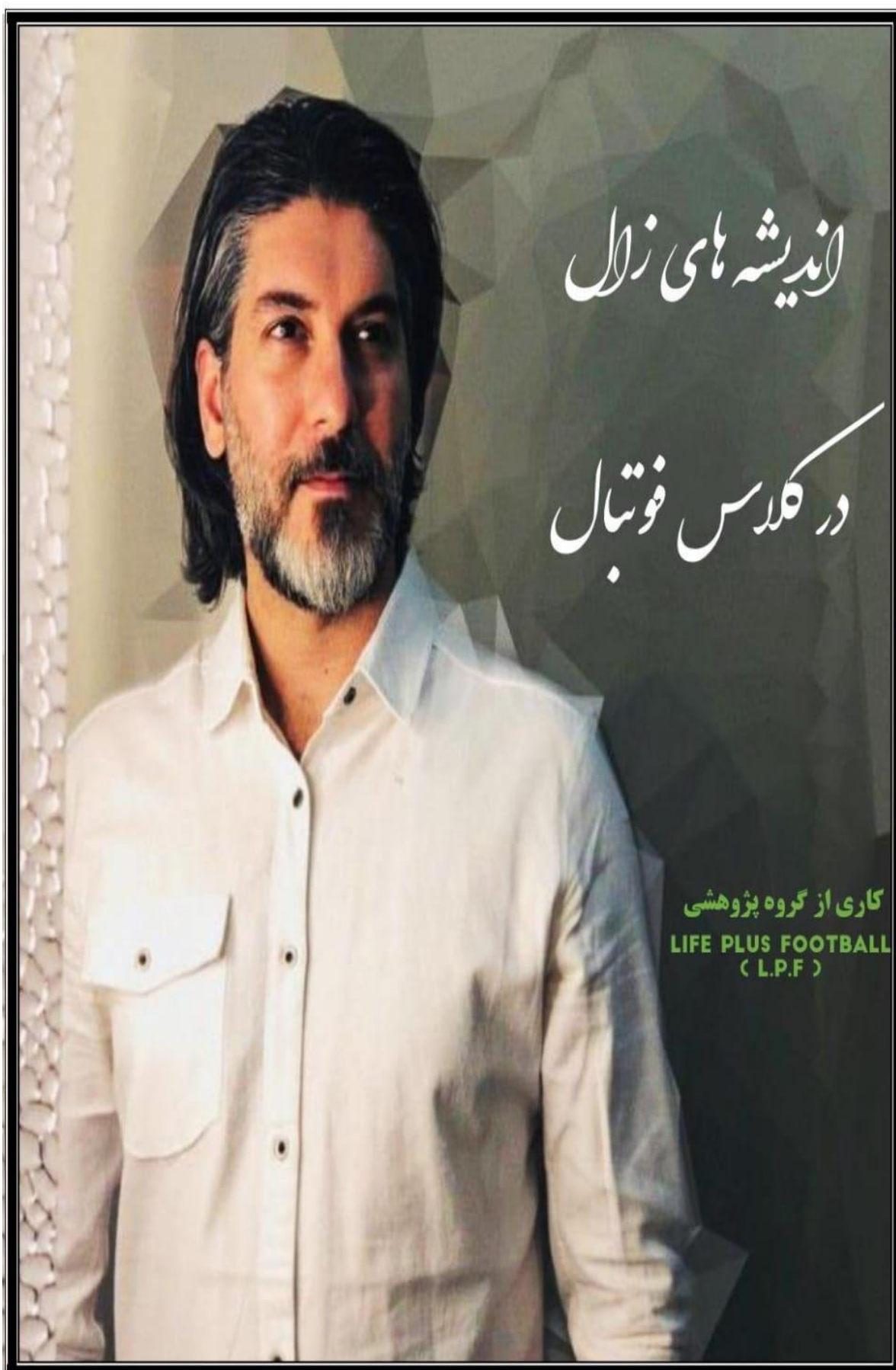




لنډيشه ټيم زلم

در کلاس فوتبال

کاري از گروه پژوهشي
LIFE PLUS FOOTBALL
(L.P.F)

عنوان : تفاوت مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال

کاری از ایمان زال

گروه آموزشی Life plus football



ارسال این فایل برای استفاده همگانی، مجاز و رایگان بوده و پیگرد قانونی ندارد

LIFE PLUS FOOTBAL

وقتی درباره فوتبال پایه صحبت می‌کنیم، گاهی مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال را به جای یکدیگر به کار می‌بریم؛ در حالی که این دو مفهوم از نظر فلسفه، هدف، ساختار و مسیر توسعه تفاوت دارند. تفاوت اصلی مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال، صرفاً در تعداد تیم‌ها، سن بازیکنان، امکانات، زمین تمرین یا تعداد مربیان نیست؛ تفاوت اصلی در نوع نگاه به رشد بازیکن است.

مدرسه فوتبال چیست؟

مدرسه فوتبال در درجه اول محیطی برای آشنایی، آموزش و تجربه فوتبال است. در مدرسه فوتبال، هدف این است که کودک یا نوجوان:

با فوتبال آشنا شود

مهارت‌های پایه را یاد بگیرد

با توپ و بازی ارتباط برقرار کند

اصول اولیه بازی را تجربه کند

همکاری با دیگران را بیاموزد

از فوتبال لذت ببرد

به تدریج علاقه و انگیزه بیشتری برای ادامه فوتبال پیدا کند.

بنابراین مدرسه فوتبال می‌تواند نقطه شروع ارتباط بازیکن با فوتبال باشد.

سؤال اصلی مدرسه فوتبال این است:

چگونه فوتبال را به نوآموز آموزش دهیم؟

در اینجا آموزش اهمیت زیادی دارد؛ اما الزاماً یک سیستم چندساله و یکپارچه برای توسعه بازیکن وجود ندارد.

آکادمی فوتبال چیست؟

آکادمی فوتبال یک قدم فراتر از آموزش فوتبال است. آکادمی فقط محلی برای تمرین دادن چند تیم رده پایه نیست؛ بلکه باید یک سیستم توسعه بازیکن باشد.

در آکادمی، سؤال فقط این نیست: امروز چه چیزی به بازیکن آموزش بدهیم؟ بلکه سؤال اصلی این است:

این بازیکن در مسیر رشد خود در چه مرحله‌ای قرار دارد و برای رفتن به مرحله بعد به چه تجربه و یادگیری‌ای نیاز دارد؟

بنابراین آکادمی باید بتواند رشد بازیکن را در طول زمان مشاهده، هدایت، ارزیابی و بازطراحی کند.

آکادمی به دنبال این نیست که فقط بازیکن امروز بهتر بازی کند؛ بلکه می‌خواهد شرایطی ایجاد کند که بازیکن در طول چند سال، به شکل پایدار توسعه پیدا کند.

زال تفاوت اصلی مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال را در یک جمله بسیار ساده بیان می‌کند:

مدرسه فوتبال، محل آموزش فوتبال است؛ آکادمی فوتبال، سیستم توسعه بازیکن است.

وی معتقد است که مدرسه فوتبال به بازیکن فوتبال یاد می‌دهد؛ آکادمی، اکوسیستم یادگیری و رشد بازیکن را طراحی می‌کند.

تفاوت در هدف:

در مدرسه فوتبال، هدف اصلی می‌تواند آموزش و ایجاد علاقه به فوتبال باشد. اما در آکادمی، هدف ایجاد یک مسیر توسعه بلندمدت است.

این یعنی چه؟

یعنی آکادمی باید بداند:

بازیکن از کجا شروع می‌کند؟

در هر مرحله چه چیزی باید یاد بگیرد؟

چه رفتارهایی باید در او شکل بگیرد؟

چه نوع تصمیم‌گیری‌هایی باید توسعه پیدا کند؟

چه تجربه‌هایی برای رشد او لازم است؟

چگونه رشد او اندازه‌گیری می‌شود؟

چگونه از یک مرحله به مرحله بعد منتقل می‌شود؟

بنابراین در آکادمی، رشد بازیکن یک اتفاق تصادفی نیست؛ باید بخشی از طراحی سیستم باشد.

تفاوت در نگاه به بازیکن:

در مدرسه فوتبال ممکن است نوآموز (بازیکن) بیشتر به عنوان فردی دیده شود که باید مهارت‌های فوتبال را یاد بگیرد. اما در آکادمی، بازیکن باید به عنوان یک یادگیرنده در حال رشد دیده شود.

بنابراین فقط نمی‌پرسیم: این بازیکن تا چه اندازه خوب پاس می‌دهد؟

بلکه می‌پرسیم:

آیا او بهتر می‌بیند؟

آیا توجه می‌کند؟

آیا اطلاعات مناسب را دریافت می‌کند؟

آیا شرایط بازی را بهتر می‌خواند؟

آیا تصمیم‌های بهتری می‌گیرد؟

آیا می‌تواند آموخته‌های خود را در شرایط جدید به کار ببرد؟

آیا رفتار او در طول زمان تغییر کرده است؟

در این نگاه، توسعه بازیکن فقط افزایش مهارت نیست؛ بلکه توسعه ادراک، توجه، تحلیل، پیش‌بینی، تصمیم‌گیری، رفتار، سازگاری و یادگیری نیز هست.

تفاوت در مسیر رشد:

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مدرسه فوتبال و آکادمی در مفهوم مسیر توسعه است. ممکن است یک مجموعه چند تیم داشته باشد که شامل رده‌های ۸U، ۱۰U، ۱۲U، ۱۴U، ۱۶U و ۱۸U است. اما صرف داشتن این تیم‌ها به معنای داشتن آکادمی نیست.

اگر هر رده با فلسفه‌ای متفاوت، روش آموزشی متفاوت، معیارهای متفاوت و بدون ارتباط با رده‌های دیگر کار کند، در واقع فقط چند تیم رده پایه داریم.

آکادمی زمانی معنا پیدا می‌کند که بین این مراحل پیوستگی توسعه وجود داشته باشد.

بازیکنی که از ۱۰U به ۱۲U می‌رود، نباید احساس کند وارد یک دنیای کاملاً جدید شده است. او باید بخشی از یادگیری‌های قبلی خود را با خود به مرحله بعد منتقل کند و در آنجا آن‌ها را توسعه دهد.

قانون زال:

رده‌های آکادمی نباید جزیره‌های جدا از هم باشند؛ بلکه باید حلقه‌های یک مسیر توسعه باشند.*

تفاوت در مربی:

در مدرسه فوتبال، مربی عمدتاً نقش آموزش‌دهنده را بر عهده دارد. اما در آکادمی، مربی فقط آموزش‌دهنده نیست؛ او بخشی از سیستم توسعه بازیکن است. مربی آکادمی باید بداند:

بازیکن در چه مرحله‌ای از رشد قرار دارد؟

چه چیزی باید یاد بگیرد؟

چگونه باید شرایط یادگیری را طراحی کند؟

چگونه رفتار بازیکن را مشاهده کند؟

چگونه پیشرفت را اندازه‌گیری کند؟

چگونه با مربی رده قبل و بعد ارتباط داشته باشد؟

چگونه یادگیری بازیکن را به مرحله بعد منتقل کند؟

بنابراین مربی آکادمی فقط نمی پرسد: تمرین امروز من چیست؟

بلکه می پرسد:

این تمرین چه تجربه ای برای رشد بازیکن ایجاد می کند و در مسیر توسعه او چه جایگاهی دارد؟

تفاوت در برنامه آموزشی:

در مدرسه فوتبال، برنامه آموزشی می تواند بیشتر بر آموزش مهارت های پایه و تجربه فوتبال متمرکز باشد. اما در آکادمی، برنامه باید مرحله بندی و پیوسته باشد.

این یعنی چه؟

یعنی مشخص باشد که در هر دوره:

چه چیزهایی باید توسعه پیدا کند؟

چه چیزهایی باید تثبیت شود؟

چه چیزهایی باید پیچیده تر شود؟

چه چیزهایی باید به مرحله بعد منتقل شود؟

در اینجا هدف فقط افزایش حجم تمرین نیست. ممکن است یک بازیکن تمرین بیشتری انجام دهد، اما لزوماً بیشتر یاد نگیرد.

آکادمی باید به جای این پرسش: چقدر تمرین کرد؟

پرسد:

چقدر تغییر کرد؟



تفاوت در فلسفه بازی:

در یک مدرسه فوتبال ممکن است فلسفه بازی اهمیت محدودی داشته باشد. اما در یک آکادمی، فلسفه بازی می‌تواند به عنوان یک زبان مشترک توسعه عمل کند.

این یعنی چه؟

یعنی بازیکن در رده‌های مختلف به تدریج با منطق مشترکی از بازی آشنا شود. این به معنای تحمیل یک سیستم ثابت یا یک آرایش خاص نیست. موضوع این است که بازیکن به تدریج بفهمد:

چرا باید فضا ایجاد کند؟

چه زمانی باید پیشروی کند؟

چگونه از هم‌تیمی حمایت کند؟

چگونه فاصله‌ها را مدیریت کند؟

چگونه در انتقال واکنش نشان دهد؟

چگونه اطلاعات محیط را بخواند؟

چگونه بر اساس وضعیت/ فاز بازی تصمیم بگیرد؟

قانون زال:

مدل بازی باید به یک بستر مشترک برای یادگیری در کل آکادمی تبدیل شود.

تفاوت در ارزیابی:

در مدرسه فوتبال ممکن است ارزیابی بیشتر بر حضور، مهارت و عملکرد فعلی بازیکن متمرکز باشد. اما در آکادمی، ارزیابی باید به دنبال فهم روند رشد باشد. بنابراین فقط نباید پرسید: بازیکن امروز چقدر خوب بود؟

بلکه باید پرسید:

بازیکن نسبت به گذشته چه تغییری کرده است؟

برای مثال:

آیا بهتر محیط را مشاهده می کند؟

آیا اطلاعات بیشتری دریافت می کند؟

آیا تصمیم های مناسب تری می گیرد؟

آیا در شرایط جدید سازگارتر است؟

آیا رفتار جدید خود را در مسابقه نیز نشان می دهد؟

آیا یادگیری او پایدار است؟



قانون زال:

ارزیابی در آکادمی باید به جای عکس گرفتن از وضعیت بازیکن، مسیر تغییر او را مشاهده کند.

تفاوت در رابطه بین رده‌ها:

در مدرسه فوتبال ممکن است ارتباط بین رده‌ها محدود باشد. اما در آکادمی، رده‌ها باید به یکدیگر متصل باشند.

مربی ۱۰U باید بداند چه چیزی پایه یادگیری ۱۲U را تشکیل می‌دهد.

مربی ۱۲U باید بداند چه چیزی باید برای ۱۴U توسعه پیدا کند.

و همین مسیر باید ادامه پیدا کند.

قانون زال:

آکادمی نیازمند انتقال دانش، اطلاعات و منطق توسعه بین مربیان و رده‌ها است.

در صورت عدم رعایت این قانون، با تغییر رده، بازیکن مجبور می‌شود بسیاری از چیزها را دوباره از ابتدا تجربه کند.



تفاوت در خروجی:

خروجی مدرسه فوتبال می تواند بازیکنی باشد که:

فوتبال را دوست دارد

مهارت های پایه را یاد گرفته است

بازی را تجربه کرده است

برای ادامه فوتبال آماده است.

اما خروجی آکادمی باید فراتر از این باشد. آکادمی باید بازیکنی را به گونه ای توسعه دهد که به تدریج:

بهتر مشاهده می کند

بهتر اطلاعات دریافت می کند

بهتر موقعیت را می خواند

بهتر تصمیم می گیرد

رفتار مؤثرتری دارد

با شرایط جدید سازگار می شود

توانایی ادامه یادگیری را پیدا می کند.

آکادمی فقط سیستم توسعه بازیکن نیست:

اگر بخواهیم آکادمی را واقعاً به عنوان یک سیستم ببینیم، نباید فقط بازیکن را توسعه دهیم. آکادمی باید

همزمان روی چند عنصر کار کند:

بازیکن

مربی

تیم

مدل بازی

روش آموزش

ارزیابی

ساختار رده‌ها

فرهنگ باشگاه

این عناصر از یکدیگر جدا نیستند.

اگر بازیکن را توسعه دهیم اما مربی توسعه پیدا نکند، سیستم ناقص است.

اگر مربی را توسعه دهیم اما روش آموزش با فلسفه باشگاه هماهنگ نباشد، سیستم ناقص است.

اگر رده‌ها برنامه مشترک نداشته باشند، مسیر توسعه قطع می‌شود.

قانون زال:

آکادمی واقعی باید خودش یک سیستم یادگیرنده باشد.



از مدرسه فوتبال تا آکادمی:

می‌توان این تفاوت را به شکل یک مسیر ساده دید:

مدرسه فوتبال:

آشنایی با فوتبال

تجربه

آموزش پایه

ایجاد علاقه‌مندی

آکادمی فوتبال:

آشنایی با فوتبال

آموزش

تجربه

مشاهده

ارزیابی

اصلاح

توسعه

انتقال به مرحله بعد

یادگیری دوباره

بنابراین آکادمی فقط نمی‌گوید: بازیکن چه چیزی یاد گرفت؟

بلکه می پرسد:

بازیکن چگونه یاد می گیرد، چگونه تغییر می کند و چگونه این تغییر را به مرحله بعد منتقل می کند؟ یکی از اشتباهات رایج این است که فکر کنیم اگر یک مجموعه از این موارد برخوردار باشد؛ پس حتماً آکادمی است:

چند رده سنی داشته باشد

چند زمین داشته باشد

مربیان زیادی داشته باشد

لباس و امکانات مناسب داشته باشد

در مسابقات مختلف شرکت کند!

این موارد می توانند بخشی از یک آکادمی باشند، اما آکادمی را تعریف نمی کنند.

قانون زال:

آنچه یک آکادمی را از یک مجموعه که دارای تیم های پایه و امکانات خاص است متمایز می کند، وجود منطق توسعه، مسیر یادگیری، پیوستگی بین رده ها، مربیان توسعه یافته، ارزیابی مستمر و فرهنگ مشترک یادگیری است.

سخن پایانی:

مدرسه فوتبال، نقطه ورود به فوتبال است. جایی که بازیکن در آن فوتبال را تجربه می کند، مهارت های پایه را یاد می گیرد و با بازی ارتباط برقرار می کند.

آکادمی فوتبال، نقطه ورود به یک مسیر توسعه است. جایی که بازیکن در آن فقط تمرین نمی کند؛ بلکه در یک سیستم چندساله، به صورت مرحله به مرحله رشد می کند.

مدرسه فوتبال بیشتر بر آموزش فوتبال تمرکز دارد. آکادمی فوتبال بر معماری مسیر یادگیری و توسعه بازیکن تمرکز دارد.

مدرسه فوتبال می پرسد: چه چیزی به بازیکن آموزش بدهیم؟

آکادمی می پرسد:

چگونه محیطی طراحی کنیم که بازیکن در طول زمان بهتر یاد بگیرد و توسعه پیدا کند.

زال معتقد است:

مدرسه فوتبال بازیکن را آموزش می دهد؛ آکادمی فوتبال مسیر رشد او را معماری می کند.



در نهایت، این اصل طلایی از زال را به یادگار نگه دارید:

آکادمی واقعی فقط جایی نیست که بازیکنان در آن تمرین می کنند؛ آکادمی واقعی سیستمی است که یادگیری، توسعه و انتقال بازیکن را در طول زمان طراحی و هدایت می کند.

تفاوت مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال

دو مسیر متفاوت، یک هدف مشترک: رشد و پرورش بازیکن



مدرسه فوتبال و آکادمی فوتبال هر دو به پرورش بازیکن کمک می‌کنند، اما در اهداف، ساختار، روش‌ها و سطح انتظارات با یکدیگر تفاوت دارند. شناخت این تفاوت‌ها به مربیان، والدین و باشگاه‌ها کمک می‌کند تا مسیر درستی را برای رشد و توسعه بازیکنان انتخاب کنند.



مدرسه فوتبال

هدف اصلی

ایجاد علاقه و انگیزه، یادگیری اصول پایه فوتبال و فراهم کردن تجربه بازی در محیطی شاد و ایمن.

گروه سنی

معمولاً از سنین پایین‌تر (حدود ۵ تا ۱۲ سال).

رویکرد آموزشی

بازی‌محور، تنوع در تمرین‌ها، تمرکز بر مهارت‌های پایه، رشد همه‌جانبه (فنی، جسمانی، اجتماعی و روانی).

ساختار و سازماندهی

معمولاً با هدف گذاری کوتاه‌مدت، با تعداد جلسات کمتر در هفته و نظارت مربیان عمومی‌تر.

انتظارات

لذت بردن از فوتبال، بهبود مهارت‌های پایه، افزایش اعتمادبه‌نفس و ایجاد علاقه به ادامه مسیر.



آکادمی فوتبال

هدف اصلی

تربیت بازیکن حرفه‌ای و آماده‌سازی برای سطح بالاتر (باشگاه‌های حرفه‌ای، تیم‌های ملی و رقابتهای جدی).

گروه سنی

معمولاً از سنین نوجوانی (حدود ۱۲ سال به بالا).

رویکرد آموزشی

ساختارمند، تخصصی و علمی، تمرکز بر توسعه فردی بازیکن، ارتقای تکنیکی، تاکتیکی، جسمانی، ذهنی و شناختی.

ساختار و سازماندهی

برنامه‌ریزی بلندمدت، با کادر تخصصی (مربی، آنالیزور، بدنساز، روانشناس) و ارزیابی مستمر.

انتظارات

توسعه کامل پتانسیل بازیکن، آماده‌سازی برای رقابت، کسب تجربه در سطوح بالاتر و ورود به فوتبال حرفه‌ای.



مدرسه فوتبال، نقطه شروع است؛ آکادمی، مسیر حرفه‌ای شدن. هر دو مهم‌اند، اما با اهداف، روش‌ها و انتظارات متفاوت.

کاری از: ایمان زال

Life Plus Football